

بسم الله الرحمن الرحيم

شیوه‌های معرفتی تربیت سیاسی در عصر غیبت در سیره ائمه معصومین علیهم السلام

فرزانه محبی بلشتی^۱

چکیده

تربیت سیاسی در عصر غیبت نقش کلیدی در آماده‌سازی فرد و جامعه برای ظهور امام زمان(عج) دارد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، شیوه‌های معرفتی تربیت سیاسی در سیره ائمه معصومین(علیه السلام) را بررسی کرده و نشان می‌دهد که ارتباط معرفتی با امام زمان(عج) اساس تربیت سیاسی است. این ارتباط در دو بعد فردی (معرفت دینی و شناخت امام، ارتباط معرفتی، تقویت بصیرت) و اجتماعی (فرهنگ‌سازی معرفتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انسجام و همبستگی جمعی) تحلیل شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که تقویت این ارتباط، به خودسازی، بصیرت سیاسی، مسئولیت‌پذیری و آمادگی برای ظهور منجر می‌شود. پژوهش بر اهمیت ترویج آموزه‌های اهل‌بیت(علیه السلام) و پرورش فرهنگی منتظران واقعی تأکید دارد.

کلید واژه :

تربیت سیاسی، عصر غیبت، سیره معصومین، خودسازی، مشارکت اجتماعی

^۱ سطح دو مرکز غیر حضوری قم

در عصر غیبت، دسترسی مستقیم به امام زمان(عج) وجود ندارد و تربیت سیاسی جامعه و افراد برای تحقق اهداف اسلامی و آمادگی برای ظهور، نیازمند روش‌های معرفتی است. تربیت سیاسی در این دوره فراتر از آموزش عملی رفتار سیاسی است و شامل پرورش بینش، شناخت جایگاه امام زمان(عج) و ایجاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود. بدون این بستر معرفتی، تربیت سیاسی ناقص و سطحی خواهد بود. اهمیت پرداختن به این موضوع در چند جنبه مشخص است. نخست، تقویت معرفت و بصیرت سیاسی افراد موجب رشد فردی و خودسازی اخلاقی می‌شود. دوم، افزایش مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی، زمینه‌ساز اصلاح جامعه و پرورش منتظران واقعی است. سوم، با توجه به محدودیت مطالعات پیشین، بررسی شیوه‌های معرفتی تربیت سیاسی به پرکردن خلأ پژوهشی و تقویت آموزه‌های اهل بیت(علیه السلام) کمک می‌کند. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش‌های گذشته عمدتاً به جنبه‌های عملی و تاریخی تربیت سیاسی پرداخته‌اند و جنبه‌های معرفتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، فاضل (۱۳۹۵)، ص. ۱۲۳) به تربیت سیاسی در عصر غیبت از منظر تاریخی پرداخت، اما جنبه‌های معرفتی مورد غفلت قرار گرفت. حسینی (۱۳۹۸، ص. ۴۵) بر آموزش‌های عملی و نقش نهادها در تربیت سیاسی تأکید داشت، بدون آنکه تأثیر معرفت فردی و اجتماعی تحلیل شود. موسوی (۱۴۰۰، ص. ۶۷) به نقش دعا و ارتباط با امام در پرورش منتظران پرداخت، اما تقسیم‌بندی معرفتی فردی و اجتماعی را ارائه نکرد. پژوهش حاضر با تمرکز بر شیوه‌های معرفتی و تحلیل آن‌ها در دو جنبه فردی و اجتماعی، خلأ موجود در مطالعات پیشین را پر می‌کند. با توجه به این زمینه‌ها، سؤال اصلی تحقیق این است که شیوه‌های معرفتی تربیت سیاسی در عصر غیبت در سیره ائمه معصومین(علیه السلام) کدام‌اند و چگونه بر رشد فردی و اجتماعی منتظران تأثیر می‌گذارند. اهداف تحقیق نیز شامل شناسایی این شیوه‌ها، تحلیل آن‌ها از منظر معرفت فردی و اجتماعی و بررسی تأثیر آن‌ها بر خودسازی، بصیرت سیاسی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.

۱- مفهوم شناسی

برای درک بهتر موضوع تحقیق، لازم است مفاهیم کلیدی آن تبیین شوند:

۱-۱. تربیت

واژه «تربیت» از ریشه «رَبَّو» و «رَبَّ» گرفته شده که به معنای نمو، پرورش و افزایش چیزی به تدریج است. در لسان العرب آمده است: «رَبَّ يَرْبُهُ تَرْبَةً؛ یعنی پرورش دادن و رشد دادن» (ابن منظور، ۵۵۵۵: ج ۳، ص ۵۵۹). همچنین «تربیت» در لغت به معنای پروردن، نشو و نما دادن و تدریجاً به کمال رساندن آمده است (فیومی، ۵۵۱۱: ج ۵، ص ۲۹۱). در اصطلاح اندیشمندان اسلامی، تربیت عبارت است از: «فعالیّت هدفمند برای به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه انسان در جهت ارزش‌های مطلوب» (مطهری، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۳۳) «فرایند هدایت و مراقبت همه‌جانبه از انسان در جهت رشد متوازن جسمی، روحی، اخلاقی و اجتماعی» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ص ۶۱).

۱-۲. سیاست

واژه «سیاست» از ریشه «سَاسَ، یَسُوسُ» گرفته شده است. در لغت به معنای تدبیر، اداره و سرپرستی آمده است. ابن منظور می‌نویسد: «سَاسَ النَّاسَ یَسُوسُهُمْ سِیَاسَةً؛ قامَ بِأمرِهِمْ وَ دَبَّرَ شُؤنَهُمْ؛ یعنی سیاست، به معنای اداره امور مردم و تدبیر کارهای آنان است» (ابن منظور، ۵۵۵۵: ج ۳، ص ۵۹۱). همچنین فیومی در المصباح المنیر آورده: «السَّیَاسَةُ الْقِیَامُ عَلَى الشَّيْءِ بِمَا یُصْلِحُهُ»؛ یعنی سیاست یعنی سرپرستی و تدبیر چیزی به گونه‌ای که مصلحت آن در نظر گرفته شود (فیومی، ۵۵۱۱: ج ۲، ص ۱۹۱). در اصطلاح اسلامی، سیاست عبارت است از تدبیر و هدایت جامعه بر اساس مصالح دنیوی و اخروی. علامه طباطبایی سیاست را «اداره جامعه در پرتو عدالت و ارزش‌های الهی» می‌داند (طباطبایی، ۱۳۶۵: ج ۵۵، ص ۵۲۹).

۱-۳. تربیت سیاسی

«تربیت» به معنای پرورش و نمو دادن و «سیاست» به معنای تدبیر و اداره امور مردم است. بنابراین، در لغت «تربیت سیاسی» یعنی پرورش و آماده‌سازی افراد برای اداره امور جامعه و ایفای نقش در تدبیر اجتماعی و سیاسی. (ابن منظور، ۵۵۵۵: ج ۳، ص ۵۵۹؛ فیومی، ۵۵۱۱: ج ۲، ص ۱۹۱). در اصطلاح اندیشمندان اسلامی،

«تربیت سیاسی» فرآیندی است هدفمند که طی آن، استعداد‌های فرد در حوزه شناخت، بینش و رفتار اجتماعی — سیاسی پرورش می‌یابد تا فردی آگاه، مسئول و متعهد نسبت به جامعه و ارزش‌های الهی تربیت شود. شهید مطهری تربیت سیاسی را بخشی از تربیت دینی می‌داند که به هدایت فکری و اجتماعی انسان در عرصه تصمیم‌گیری و مشارکت اجتماعی منتهی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۵۱۶). آیت‌الله جوادی آملی تربیت سیاسی را «آموزش و پرورش انسان در زمینه فهم جایگاه ولایت الهی، مسئولیت اجتماعی و آمادگی برای اجرای عدالت در جامعه» تعریف می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ص ۶۱). بنابراین، تربیت سیاسی به معنای پرورش آگاهی و مسئولیت‌پذیری افراد در عرصه سیاست و اجتماع، بر اساس معارف دینی و ارزش‌های الهی است؛ به گونه‌ای که فرد بتواند تصمیم‌های درست، رفتار عادلانه و مشارکت مسئولانه در جامعه داشته باشد.

۴-۱. شیوه‌های معرفتی

با توجه به ترکیب، «شیوه‌های معرفتی» در لغت به معنای راه‌ها و روش‌های مبتنی بر شناخت و آگاهی است. در اصطلاح علوم اسلامی و تربیتی، «شیوه‌های معرفتی» عبارت‌اند از: روش‌ها و راهکارهایی که با اتکا بر عقل، وحی، تجربه دینی و تعمیق شناخت، به هدایت و پرورش انسان در عرصه‌های فردی و اجتماعی کمک می‌کنند. جوادی آملی «شیوه‌های معرفتی» را روش‌هایی می‌داند که انسان را در فهم دین، شناخت امام و تشخیص حق از باطل یاری می‌رسانند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ص ۱۵). شهید مطهری نیز معتقد است معرفت دینی از راه شیوه‌های متنوعی چون عقل، قلب، وحی و تجربه اجتماعی به دست می‌آید و این شیوه‌ها اساس تربیت سیاسی و اجتماعی‌اند (مطهری، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۴۵).

۵-۱. عصر غیبت

در لغت، «غیبت» به معنای ناپدید شدن و دور بودن است (الفیوم، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۸). در اصطلاح، «عصر غیبت» به دوره‌ای اطلاق می‌شود که امام معصوم (عج) به دلیل غیبت طولانی، حضور مستقیم در جامعه ندارد و هدایت مردم از طریق آموزه‌های دینی و تقویت ارتباط معرفتی با امام زمان (عج) انجام می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۴۵).

۲- تربیت سیاسی در عصر غیبت

تربیت سیاسی در عصر غیبت دارای ابعاد مختلفی است که می‌توان آن را از منظر تأثیرگذاری بر فرد و جامعه تقسیم‌بندی کرد. بعد فردی بر رشد معرفتی، اخلاقی و سیاسی هر شخص متمرکز است و هدف آن پرورش فردی آگاه، مسئول و منتظر واقعی است. این بعد، زمینه خودسازی، تقویت بصیرت و ارتقای فضایل اخلاقی را فراهم می‌آورد و افراد را برای ایفای نقش مؤثر در جامعه آماده می‌کند. از سوی دیگر، بعد اجتماعی بر رفتار جمعی و فرهنگ جامعه تأکید دارد و شامل نهادینه کردن ارزش‌های دینی، مشارکت جمعی، تعاون و همدلی است که می‌تواند جامعه را برای مواجهه با شرایط پیچیده دوران غیبت آماده سازد. عصر غیبت را زمان امتحان ایمان مؤمنان می‌داند و تأکید می‌کند که آگاهی و بصیرت در این دوره نقش حیاتی در هدایت دارد (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۴۸۳). این بیان می‌تواند مبنای نقش تربیت سیاسی در حفظ جامعه شیعی در غیبت باشد. غیبت امام فرصتی برای آزمودن سطح معرفت مردم معرفی می‌کند و معتقد است مؤمنان باید با بصیرت و شناخت دینی، خود را در برابر فتنه‌ها بیمه کنند (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۱۷۹). این تقسیم‌بندی، چارچوبی منسجم برای بررسی و تحلیل شیوه‌های تربیت سیاسی فراهم می‌آورد و امکان تمرکز دقیق بر نقش هر بعد در پرورش فرد و جامعه را فراهم می‌کند. بنابراین، در ادامه متن، شیوه‌های تربیت سیاسی را به دو دسته فردی و اجتماعی تفکیک کرده و هریک را با جزئیات و مثال‌های معرفتی مورد بررسی قرار می‌دهیم (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۳۵؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۴۸). تربیت سیاسی جامعه در عصر غیبت بر عهده فقها و علمای دین است تا جامعه را در مسیر تحقق حکومت اسلامی هدایت کنند (خمینی، ۱۳۵۷: ص ۴۴). شهید صدر نیز در اسلام یقود الحیاء، تربیت سیاسی را یکی از مهم‌ترین وظایف دین معرفی کرده و معتقد است اسلام از طریق معرفت‌افزایی، جامعه را آماده مشارکت در تحقق عدالت اجتماعی می‌کند (صدر، ۱۴۱۰: ص ۹۱). در جامعه و تاریخ در قرآن، تربیت سیاسی را زمینه‌ساز رشد اجتماعی می‌داند که موجب می‌شود انسان‌ها در برابر طغیان‌ها و انحرافات ایستادگی کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ص ۲۲۱). حال قرار است ما به ابعاد فردی و اجتماعی تربیت‌ساز در عصر غیب با شیوه معرفتی در افراد به بررسی پردازیم پس این ابعاد شامل ابعاد معرفتی فردی و ابعاد معرفتی اجتماعی تقسیم می‌شود و قرار است در این بخش به شیوه‌های معرفتی هریک پردازیم :

۳- بعد فردی شیوه بصیرت افزایی تربیت سیاسی

تربیت سیاسی در بعد فردی، اساساً بر ارتقای معرفت دینی و شناخت امام زمان (عج) تمرکز دارد و هدف آن پرورش افرادی است که درک عمیق و روشن از آموزه‌های اهل بیت (علیه السلام) داشته باشند. در این بعد، فرد با تقویت رابطه معرفتی خود با امام زمان (عج)، توانایی فهم درست مسائل دینی و اجتماعی را کسب می‌کند و زمینه رشد بصیرت دینی و سیاسی در وجود او شکل می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۳۸).

از جمله شیوه‌های تربیت سیاسی در بعد فردی با رویکرد معرفتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۱. معرفت دینی و شناخت امام

تربیت سیاسی فردی در عصر غیبت، بدون معرفت دینی و شناخت جایگاه امام زمان (عج)، اساساً ناقص و غیرکارآمد خواهد بود. این معرفت، نه یک امر تشریفاتی یا صرفاً ذهنی، بلکه بنیانی است که تمام تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی، اجتماعی و اخلاقی فرد بر آن استوار می‌شود. آموزه‌های دینی، فلسفه‌ی غیبت، و آگاهی از نقش امام عصر (عج) در هدایت و مدیریت معنوی جامعه، از ضروری‌ترین دانش‌هایی است که هر منتظر واقعی باید به آن مجهز باشد (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۴۵).

شناخت امام، تنها یک فعالیت نظری یا فکری نیست، بلکه آثار عملی عمیقی بر زندگی فرد دارد. این شناخت، به او قدرت تشخیص مسیر حق از باطل را می‌بخشد و باعث می‌شود که در انتخاب‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، معیارهایی بر اساس ارزش‌های الهی داشته باشد. از این رو، یک فرد آگاه، رفتارهای خود را نه بر اساس منافع زودگذر، بلکه بر پایه‌ی اصول ثابت دینی تنظیم می‌کند. قرآن کریم بارها به اهمیت هدایت الهی و ضرورت پیروی از رهبران الهی تأکید کرده است. خداوند در سوره‌ی انفال می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَالرَّسُولِ وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» این آیه به روشنی بیان می‌کند که تصمیمات اجتماعی و اقتصادی، وقتی بر پایه‌ی معرفت دینی و با رعایت حقوق الهی و رهبری دینی انجام شود، به عدالت و مسئولیت‌پذیری می‌انجامد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، این آیه را شاهی بر لزوم شناخت جایگاه اولیای الهی و رعایت حقوق آنان در تمامی ابعاد زندگی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۱۷). در منابع روایی، شناخت امام زمان (عج) به عنوان یک شرط اساسی هدایت فردی و اجتماعی معرفی شده است.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۰) این حدیث نشان می‌دهد که غفلت از شناخت امام، انسان را در سطحی از جهل نگه می‌دارد که نتیجه‌ای جز گمراهی ندارد. برعکس، شناخت امام، مسیر زندگی را روشن و هدفمند می‌سازد. از این رو، معرفت امام هم جنبه‌ی اخلاقی و فردی دارد و هم بُعد سیاسی و اجتماعی؛ زیرا کسی که امام خود را می‌شناسد، در تصمیمات سیاسی و اجتماعی، به‌طور طبیعی بر اساس معیارهای الهی حرکت می‌کند و در دام جریان‌های فکری و سیاسی انحرافی نمی‌افتد. سیره‌ی عملی اهل‌بیت (علیه السلام) نشان می‌دهد که آموزش شناخت امام و جایگاه او، یکی از اصلی‌ترین محورهای تربیت دینی بوده است. امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «فَإِنَّ فِي قُدَمِهِمْ لَمَسْتَقَرًّا وَمَحْتَجًّا وَفِي آخِرِهِمْ لَمَرْجَعًا وَمَحْتَجًّا» (خطبه ۱۳۵) این سخن، نقش راهبردی امامان را در هدایت جامعه و فرد بیان می‌کند و نشان می‌دهد که شناخت امام، راه را برای تصمیم‌گیری‌های درست در همه‌ی عرصه‌های زندگی هموار می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۵۲، ص ۲۱۸).

اهل‌بیت (علیه السلام) با استفاده از ابزارهایی همچون سخنرانی، مناظره، نامه‌نگاری و تربیت شاگردان برجسته، تلاش می‌کردند که شناخت مردم نسبت به جایگاه امامت را عمیق کنند. این اقدام، نه تنها آثار معنوی و اخلاقی داشت، بلکه در تثبیت هویت سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی شیعی نیز نقش اساسی ایفا می‌کرد. وقتی فرد به معرفت امام برسد، جهان‌بینی او تغییر می‌کند. او دیگر در تصمیمات روزمره‌ی خود، صرفاً به منافع کوتاه‌مدت یا خواسته‌های شخصی نمی‌اندیشد، بلکه خود را عضوی از یک امت می‌داند که تحت هدایت ولیّ الهی قرار دارد. به همین دلیل، این مرحله‌ی معرفتی، زیربنای همه‌ی فعالیت‌های تربیتی در عصر غیبت است. فردی که امام خود را می‌شناسد، هم در خودسازی فردی موفق‌تر است و هم در نقش‌آفرینی اجتماعی مؤثرتر. این همان نقطه‌ای است که تربیت سیاسی فردی با تربیت معرفتی پیوندی ناگسستنی پیدا می‌کند. یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شیوه‌های تربیت سیاسی در بعد فردی، تقویت ارتباط معرفتی با امام زمان (عج) است. این ارتباط، صرفاً یک پیوند عاطفی یا یادآوری نام امام نیست، بلکه به معنای درک عمیق جایگاه امام، فهم فلسفه‌ی غیبت و ایجاد پیوند قلبی و فکری با اهداف و رسالت‌های هدایتگری ایشان است. فردی که چنین ارتباطی را برقرار کرده باشد، می‌تواند زندگی فردی و اجتماعی خود را در مسیر خواست الهی تنظیم کند و تصمیمات سیاسی و اجتماعی خویش را بر پایه‌ی ارزش‌های ثابت و الهی اتخاذ نماید (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۴۹). قرآن کریم، پیروی از رهبران الهی را یکی از اصول بنیادین هدایت

می‌داند. در آیهی ۵۵ سورهی مائده آمده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» این آیه به روشنی بیان می‌کند که ولایت الهی، محور اصلی ارتباط میان انسان مؤمن و رهبر الهی است. از نگاه علامه طباطبائی، «ولایت» در این آیه نه صرفاً به معنای دوستی، بلکه به معنای سرپرستی و هدایت‌گری است؛ یعنی مؤمنان باید در تمام تصمیمات و رفتارهای خود، پیوندی آگاهانه و مستحکم با ولیّ خدا برقرار کنند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۲۳). سیره‌ی اهل‌بیت (علیه السلام) نشان می‌دهد که تقویت این ارتباط، یک فرآیند مستمر و عملی است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا يَنَالُ الْإِيمَانَ مَنْ لَمْ يُوطِّنْ قَلْبُهُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۶)

این روایت، شرط ایمان حقیقی را ثبات قلبی بر ولایت ولیّ خدا می‌داند؛ به این معنا که ایمان واقعی، تنها با شناخت و محبت لحظه‌ای به امام به دست نمی‌آید، بلکه نیازمند پیوند پایدار، عمیق و مبتنی بر معرفت است. اهل‌بیت (علیه السلام) در روش تربیتی خود، ارتباط معرفتی با امام را از سنین پایین در دل پیروان تقویت می‌کردند. این کار از طریق آموزش معارف مهدوی، بیان ویژگی‌ها و وظایف امام، و تشویق به دعاها و زیارات مرتبط با امام عصر (عج) انجام می‌شد. دعاهایی چون «دعای عهد» و «زیارت آل یاسین» نه تنها جنبه‌ی عبادی دارند، بلکه ابزاری برای یادآوری مداوم وظایف منتظران و تثبیت پیوند قلبی با امام محسوب می‌شوند. همان‌گونه که علامه مجلسی اشاره می‌کند، ارتباط معرفتی با امام، نه تنها یک وظیفه‌ی فردی، بلکه یک سرمایه‌ی راهبردی برای جامعه‌ی اسلامی است؛ زیرا چنین ارتباطی، نیروی انسانی لازم برای تحقق عدالت جهانی را تربیت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۵۲، ص ۲۲۵). بنابراین، ارتباط معرفتی با امام عصر (عج)، تنها به معنای عشق و علاقه قلبی نیست، بلکه ترکیبی از شناخت عمیق، محبت پایدار و تبعیت عملی است. این پیوند، فرد را در مسیر خواست الهی قرار می‌دهد و به او قدرت می‌دهد تا در تصمیمات فردی، اجتماعی و سیاسی، معیارهای الهی را رعایت کند. در عصر غیبت، که دسترسی مستقیم به امام ممکن نیست، این ارتباط معرفتی مهم‌ترین راه برای حفظ هویت دینی، افزایش بصیرت و آمادگی برای ظهور است.

۲-۳. تقویت بصیرت معرفتی

سومین شیوه‌ی مهم تربیت سیاسی در بعد فردی، تقویت بصیرت معرفتی است. بصیرت معرفتی، توانایی عمیق برای تشخیص حق از باطل، درست از نادرست، و مسیر هدایت الهی از مسیر انحرافی در مسائل

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. این بصیرت، تنها یک قدرت تحلیلی ذهنی نیست، بلکه ترکیبی از دانش دینی، تجربه اجتماعی و نورانیت قلبی است که به انسان قدرت تصمیم‌گیری صحیح می‌دهد. اگر فردی معرفت امام و ارتباط معرفتی با او را داشته باشد، ولی فاقد بصیرت معرفتی باشد، این شناخت در عرصه‌ی عمل نتیجه‌بخش نخواهد بود. زیرا بدون بصیرت، ممکن است فرد در مواجهه با حوادث پیچیده‌ی اجتماعی و سیاسی دچار اشتباه در تشخیص یا فریب جریان‌های باطل شود (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۵۲). قرآن کریم بارها بر اهمیت بصیرت و روشن‌بینی تأکید کرده است. در آیه‌ی ۱۳۵ سوره‌ی نساء آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ» این آیه، مؤمنان را موظف می‌کند که در همه حال بر اساس عدالت و حق شهادت دهند، حتی اگر این حق‌گویی به زیان خود یا نزدیکانشان باشد. این آیه را به‌عنوان یک اصل بنیادین بصیرت معرفی می‌کند؛ زیرا عدالت‌خواهی و حق‌گویی بدون تشخیص درست حقیقت ممکن نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۳۵). از این منظر، بصیرت معرفتی یعنی توانایی دیدن واقعیت امور بدون تأثیرپذیری از منافع شخصی، فشار اجتماعی یا تبلیغات انحرافی. سیره‌ی عملی اهل‌بیت (علیه السلام) نشان می‌دهد که آنان با آموزش تحلیل صحیح امور، تربیت فکری شاگردان و تقویت قدرت استدلال، بصیرت پیروان خود را ارتقا می‌دادند. امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «أَعْلَمُوا أَنَّمَا يَسْتَقِيمُ أَمْرُكُمْ بِالْعِلْمِ وَالْفَهْمِ» (خطبه ۲۰۵) این سخن تأکید می‌کند که پیشرفت و پایداری امور جامعه، تنها با علم و فهم عمیق امکان‌پذیر است. علم به تنهایی کافی نیست، بلکه باید همراه با فهم تحلیلی و بصیرت عملی باشد (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۵۲، ص ۲۳۰).

اهل‌بیت (علیه السلام) حتی در شرایط سخت سیاسی، پیروان خود را به تأمل و بررسی دقیق اوضاع دعوت می‌کردند. برای نمونه، در دوران فتنه‌های پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، ائمه (علیه السلام) به جای تحریک احساسات، ابتدا تلاش می‌کردند که مبانی فکری و تحلیلی مردم را اصلاح کنند تا آنان خود بتوانند حق را از باطل تشخیص دهند. پیشگیری از سوءاستفاده دشمنان: جامعه‌ای که اعضایش دارای بصیرت باشند، کمتر فریب تبلیغات و عملیات روانی دشمن را می‌خورند. بصیرت معرفتی، حلقه‌ی اتصال میان معرفت امام و عمل سیاسی و اجتماعی است. بدون این بصیرت، حتی شناخت امام و ارتباط قلبی با او نمی‌تواند فرد را از لغزش در تصمیم‌گیری‌ها نجات دهد. در عصر غیبت، که فتنه‌ها و شبهات پیچیده‌تر شده‌اند، این ویژگی نه یک امتیاز اضافی، بلکه یک ضرورت حیاتی برای هر مؤمن منتظر است.

تربیت سیاسی در بعد اجتماعی، هدفش تقویت فرهنگ و رفتار جمعی منتظران واقعی است. این بعد بر پایه آموزه‌های دینی و ارتباط معرفتی با امام زمان(عج) شکل می‌گیرد و تمرکز آن بر ایجاد انسجام، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی آگاهانه است. تربیت سیاسی اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا نقش خود را در جامعه به درستی بشناسند و با آگاهی کامل، رفتارها و تصمیمات سیاسی و اجتماعی خود را هدایت کنند (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۵۸). از جمله شیوه‌های تربیت سیاسی در بعد اجتماعی با رویکرد معرفتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴-۱. فرهنگ‌سازی معرفتی

فرهنگ‌سازی معرفتی یکی از بنیادی‌ترین و راهبردی‌ترین شیوه‌های تربیت سیاسی - اجتماعی در عصر غیبت است. مقصود از این فرهنگ‌سازی، فرایندی است که طی آن باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی و سیاسی مبتنی بر تعالیم قرآن و عترت در جامعه به صورت پایدار نهادینه می‌شود. این امر صرفاً انتقال اطلاعات و آموزش ظاهری نیست، بلکه فرایندی عمیق و مستمر است که بر شکل‌دهی نگرش‌ها، تغییر رفتارها و ایجاد هم‌سویی اجتماعی با ارزش‌های الهی متمرکز است. فرهنگ‌سازی معرفتی، علاوه بر تبیین آموزه‌های بنیادین دین، باید فلسفه‌ی غیبت امام عصر(عج)، جایگاه ایشان در نظام هدایت الهی و نقش آینده‌ساز آن حضرت در عدالت‌گستری جهانی را به شکلی روشن و همه‌فهم برای مردم بیان کند. هنگامی که اعضای جامعه، این حقایق را به درستی درک کنند، رفتارهای فردی و جمعی آنان در مسیر ارزش‌های اسلامی شکل می‌گیرد و این امر، به انسجام و پویایی جامعه کمک می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۸۵).

از نگاه قرآن کریم، معرفت دینی و شناخت حجت الهی، اساس پایداری در مسیر حق و رشد معنوی و اجتماعی است. خداوند در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی مجادله می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» این آیه نشان می‌دهد که ایمان و دانش، دو رکن اصلی ارتقاء فردی و اجتماعی هستند و تنها جوامعی که این دو عنصر را در کنار هم تقویت کنند، می‌توانند در برابر انحرافات فکری و اخلاقی مقاوم بمانند. بر این اساس، فرهنگ‌سازی معرفتی باید با دو محور ایمان‌افزایی و دانش‌افزایی به پیش برود؛ چرا که دانش بدون ایمان ممکن است به ابزار انحراف تبدیل شود و ایمان بدون دانش نیز به جمود و تعصب کور

خواهد انجامید. سیره‌ی اهل بیت (علیه السلام) بهترین الگوی عملی برای اجرای فرهنگ‌سازی معرفتی است. این بزرگواران، از ابزارهای متنوعی همچون آموزش مستقیم، خطابه‌های روشنگرانه، نامه‌نگاری و تربیت شاگردان برجسته استفاده می‌کردند. برای نمونه، امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) با تشکیل حلقه‌های علمی در مدینه، صدها فقیه، مفسر و متکلم تربیت کردند. این حلقه‌ها، نه تنها معارف دینی را منتقل می‌کردند، بلکه به مسلمانان قدرت تحلیل مسائل سیاسی و موضع‌گیری صحیح در برابر حوادث را می‌آموختند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۷). به این ترتیب، بستر فکری و فرهنگی لازم برای مقاومت در برابر انحرافات بنی‌امیه و بنی‌عباس فراهم شد. امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه به جایگاه والای عالمان و مربیان فکری اشاره می‌کند و می‌فرماید: «الْفَقَهَاءُ فِي أُمَّتِي مِفْتَاحُ أُمُرِهَا وَسَبِيلُ رَشَادِهَا» (خطبه ۲۶) این بیان شریف، نقش نخبگان فکری را در هدایت جامعه و اصلاح امور آن برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که سلامت سیاسی و اجتماعی امت، وابسته به حضور و نقش‌آفرینی فعال اندیشمندان متعهد است (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۵۲، ص ۲۴۰). در دوره‌ی غیبت، این فرهنگ‌سازی باید با استفاده از ظرفیت‌های نوین انجام شود. رسانه‌های دینی، منابر، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، کتاب و نشریه، آموزش و پرورش، و حتی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند نقش مؤثری در انتقال این فرهنگ ایفا کنند. به‌عنوان نمونه: رسانه ملی با تولید برنامه‌های ترکیبی، مستند و گفت‌وگو محور، می‌تواند آموزه‌های مهدوی و فلسفه‌ی انتظار را به شکلی جذاب بیان کند. مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند با گنجاندن مباحث معرفتی و مهدوی در برنامه‌ی درسی، بستر شناخت نسل جوان را فراهم کنند. فضای مجازی فرصتی کم‌هزینه و گسترده برای نشر معارف مهدوی است که البته نیازمند مدیریت و محتوای دقیق است. آیت‌الله جوادی آملی در این باره هشدار می‌دهند که: «انتظار حقیقی، بدون معرفت نسبت به امام و وظایف منتظر، صرفاً یک حالت احساسی است و نمی‌تواند جامعه را به سمت تمدن اسلامی سوق دهد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۷۵). این سخن به روشنی بیان می‌کند که اگر فرهنگ‌سازی معرفتی به‌طور علمی و عمیق انجام نشود، انتظار مردم سطحی و غیرمولد خواهد بود.

فرهنگ‌سازی معرفتی در عصر غیبت، علاوه بر انتقال دانش، بر ایجاد بیش‌سیاسی — دینی نیز متمرکز است. این بیش‌سیاسی، دو کارکرد اساسی دارد: پیشگیری از انحرافات فکری و عقیدتی؛ زیرا آگاهی عمیق، مانع پذیرش اندیشه‌های التقاطی یا سکولار می‌شود. تضمین انسجام و پویایی اجتماعی؛ چون وقتی اکثریت جامعه بر اساس ارزش‌های مشترک زندگی کنند، اختلافات و شکاف‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. به این ترتیب،

فرهنگ‌سازی معرفتی نه تنها وظیفه‌ای فرهنگی، بلکه ضرورتی امنیتی و سیاسی نیز هست. جامعه‌ای که دارای این فرهنگ است، می‌تواند با هوشیاری، وحدت و هدفمندی به استقبال ظهور امام عصر(عج) برود.

۴-۲. تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مسئولیت‌پذیری اجتماعی یکی از ارکان مهم تربیت سیاسی در بعد اجتماعی است که بدون آن، جامعه‌ی اسلامی در برابر چالش‌های داخلی و خارجی آسیب‌پذیر می‌شود. این اصل، بخشی جدایی‌ناپذیر از رویکرد معرفتی در عصر غیبت است؛ زیرا تنها فردی که به شناخت صحیح دین و فلسفه‌ی غیبت دست یافته و از بصیرت دینی برخوردار است، می‌تواند وظایف اجتماعی و سیاسی خود را به‌عنوان عضوی از جامعه‌ی منتظر با انگیزه‌ای الهی و آگاهانه انجام دهد.

همان‌طور که شهید مطهری بیان می‌کند، جامعه‌ی منتظر باید در برابر بی‌عدالتی‌ها و فساد بی‌تفاوت نباشد، بلکه با آگاهی و اقدام عملی در مسیر تحقق ارزش‌های الهی گام بردارد (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۶۲). قرآن کریم بارها بر این اصل تأکید کرده است. در آیه‌ی شریفه: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) خطاب قرآن، ناظر به یک حرکت جمعی سازمان‌یافته برای دعوت به خیر و اصلاح جامعه است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان این آیه را اساس مسئولیت اجتماعی امت اسلامی می‌داند که بدون شناخت صحیح دین و عمل بر اساس آن تحقق نمی‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۷۵). این آیه، مسئولیت‌پذیری را از یک فضیلت فردی به یک وظیفه‌ی عمومی و اجتماعی ارتقا می‌دهد؛ بدین معنا که هر عضو جامعه باید نقش خود را در تحقق امر به معروف و نهی از منکر ایفا کند، حتی اگر مسئولیت مستقیم حکومتی نداشته باشد. بررسی سیره‌ی عملی اهل بیت (علیه السلام) نشان می‌دهد که ایشان همواره به مسئولیت‌پذیری در قبال سرنوشت جامعه توجه ویژه داشته‌اند. امام علی (علیه السلام) در نامه‌ی معروف خود به مالک اشتر، به روشنی بیان می‌کنند که حاکم و مردم، هر دو مسئولیت دارند: «فَإِنَّ النَّاسَ إِثْمًا يُصْلِحُهُمْ عَدْلُ الْوَلَاءِ وَصِدْقُ الرَّعِيَّةِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) این جمله‌ی حکیمانه بیانگر رابطه‌ی دوسویه‌ی مسئولیت است؛ از یک‌سو حاکمان باید با عدالت رفتار کنند، و از سوی دیگر، مردم باید با صداقت و وفاداری در کنار حاکمیت بایستند. امام صادق (علیه السلام) نیز در حدیثی کوتاه اما عمیق می‌فرمایند: «مَنْ أَدَّى حَقَّ النَّاسِ وَعَرَفَ حَقَّ اللَّهِ

فَقَدْ بَلَغَ أَعْلَى الدَّرَجَاتِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۴۰) این روایت، ارتباط مستقیم میان شناخت معرفتی و عمل اجتماعی را بیان می‌کند؛ یعنی تنها با درک هم‌زمان حقوق الهی و حقوق مردمی است که انسان به بالاترین مراتب کمال می‌رسد. در نهایت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تربیت سیاسی عصر غیبت، نه یک توصیه‌ی اخلاقی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای بقای جامعه‌ی اسلامی و تحقق تمدن مهدوی است. این اصل، با پشتوانه‌ی آموزه‌های قرآن و سیره‌ی اهل‌بیت (علیه السلام)، جامعه‌ی منتظر را به سمت انسجام، پیشرفت و آمادگی حقیقی برای ظهور هدایت می‌کند. تجربه‌ی تاریخ نشان می‌دهد که هر جامعه‌ای که این اصل را جدی گرفته، توانسته در برابر فشارهای بیرونی و درونی پایدار بماند و گام‌های بلندی به‌سوی آرمان‌های الهی بردارد.

۳-۴. تقویت انسجام و هم‌بستگی جمعی

یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیت سیاسی — اجتماعی در عصر غیبت، تقویت انسجام و هم‌بستگی میان اعضای جامعه ایمانی است. این انسجام تنها در سایه‌ی معرفت دینی عمیق و شناخت درست از فلسفه‌ی غیبت امام عصر (عج) تحقق می‌یابد. اگر افراد جامعه، هدف مشترک خود را «انتظار فعال و آگاهانه برای ظهور» بدانند، روابط اجتماعی آنان بر مبنای همگرایی، همکاری و همیاری شکل خواهد گرفت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۹۰). در چنین جامعه‌ای، هر فرد خود را مسئول رشد، پیشرفت و سلامت معنوی و مادی دیگران می‌داند و از خودمحوری و فردگرایی افراطی دوری می‌کند. از نگاه قرآن و روایات، انسجام و اتحاد جامعه ایمانی، نه تنها یک امر اخلاقی بلکه یک وظیفه‌ی شرعی و راهبرد سیاسی است. امام علی (علیه السلام) در توصیف روابط ایمانی می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبَنِيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵) این تشبیه دقیق، نشان می‌دهد که مؤمنان همانند آجرهای یک ساختمان هستند که هر کدام بدون دیگری بی‌معناست و تنها با اتصال و حمایت متقابل، ساختاری پایدار و مقاوم شکل می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۵۲، ص ۲۴۵). قرآن کریم نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) این آیه، اصل برادری ایمانی را به‌عنوان پایه‌ی تعاملات اجتماعی معرفی کرده و نتیجه‌ی طبیعی آن را هم‌افزایی نیروها، همدلی در برابر مشکلات، و دوری از اختلاف و تفرقه می‌داند. چنین هم‌بستگی‌ای، قدرت دفاعی و فرهنگی جامعه را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.

در عصر غیبت، که دشمنان اسلام با ابزارهای گوناگون — از جنگ نرم گرفته تا تحریم‌های اقتصادی — برای تضعیف جوامع اسلامی تلاش می‌کنند، انسجام اجتماعی نقش سپر دفاعی را دارد. جامعه‌ای که به واسطه‌ی ایمان و معرفت دینی متحد شده، در برابر نفوذ افکار انحرافی، شایعات و اختلاف‌افکنی دشمنان مصون می‌ماند. این وحدت، نه تنها جبهه‌ی مؤمنان را مستحکم می‌سازد، بلکه ظرفیت‌های جمعی را برای پیشبرد اهداف کلان دینی و زمینه‌سازی ظهور، به شکل هم‌افزا به کار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۵). امام صادق (علیه السلام) جامعه‌ی آرمانی منتظران را به «پیکری واحد» تشبیه می‌کند: «مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل الجسد إذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الجسد بالسهر والحمی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۶) این بیان نورانی، پیوند عاطفی، فکری و عملی میان مؤمنان را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که درد و رنج یک بخش از جامعه، دغدغه‌ی همه می‌شود و برای رفع آن، تلاش جمعی صورت می‌گیرد.

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که هرگاه جامعه‌ی اسلامی توانسته انسجام و هم‌بستگی خود را حفظ کند، در برابر دشمنان پیروز شده است. نمونه‌ی بارز آن، تشکیل امت اسلامی در مدینه توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. ایشان با پیمان برادری میان مهاجران و انصار، قبایل پراکنده و گاه متخاصم را به امتی متحد تبدیل کردند. این اتحاد، اساس پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و گسترش اسلام شد. در دوران معاصر نیز، می‌توان به قیام تنباکو اشاره کرد؛ هنگامی که مرجعیت دینی با یک فتوا، مردم را متحد کرد و این هم‌بستگی، قرارداد استعماری انگلیس را لغو نمود. چنین رویدادهایی نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی نه تنها یک ارزش معنوی بلکه ابزاری کارآمد برای پیروزی‌های سیاسی و اجتماعی است. تربیت سیاسی در عصر غیبت، تنها با تقویت هم‌بستگی میان نیروهای مؤمن می‌تواند به نتیجه برسد. این انسجام، سبب می‌شود که جامعه‌ی شیعی در برابر فشارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مقاوم باشد و فرصت‌های تاریخی برای تحقق اهداف اسلامی را از دست ندهد. از این رو، برنامه‌ریزی فرهنگی و آموزشی در حوزه‌ها، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نهادهای مردمی باید به گونه‌ای باشد که اصل برادری ایمانی و همکاری اجتماعی در آن نهادینه گردد.

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «انتظار فرج، تنها یک حالت قلبی نیست، بلکه یک برنامه‌ی جامع اجتماعی است که بدون وحدت و انسجام، تحقق نمی‌یابد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۸۴). بنابراین، انسجام و هم‌بستگی جمعی در عصر غیبت، یک اصل بنیادین و راهبردی است. این اصل، هم کارکرد دفاعی دارد

(حفظ جامعه از نفوذ و تفرقه) و هم کارکرد تهاجمی (حرکت هماهنگ برای تحقق تمدن اسلامی و ظهور منجی). آموزه‌های قرآن و سیره‌ی معصومین (علیه السلام) به‌روشنی بر آن تأکید دارند و تاریخ اسلام نیز گواه روشن کارآمدی آن است.

تربیت سیاسی در عصر غیبت، بدون پشتوانه معرفتی و اتصال آگاهانه به امام زمان (عج) ناقص و سطحی خواهد بود. بررسی سیره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) نشان داد که ایشان با تأکید بر معرفت دینی، شناخت امام، تقویت ارتباط معرفتی و بصیرت‌افزایی، زمینه‌ساز پرورش فردی آگاه، مسئول و منتظر واقعی بوده‌اند. در بعد فردی، این شیوه‌ها فرد را به خودسازی، عدالت‌خواهی و قدرت تشخیص حق از باطل سوق می‌دهد و در بعد اجتماعی، فرهنگ‌سازی معرفتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انسجام جمعی را تقویت می‌کند. چنین تربیتی، نه تنها ایمان فردی را استوار می‌سازد، بلکه جامعه‌ای منسجم، مقاوم و آماده برای تحقق آرمان ظهور را شکل می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت که شیوه‌های معرفتی تربیت سیاسی در سیره‌ی معصومان (علیهم السلام) راهبردی بنیادین برای حفظ هویت دینی، مقابله با انحرافات و زمینه‌سازی تمدن اسلامی در دوران غیبت است.

فهرست منابع

*قرآن کریم.

* نهج البلاغه. ترجمه و شرح محمد دشتی. بی تا. قم: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.

۱. ابن منظور، م. لسان العرب. ج ۹. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. فیومی، ا. المصباح المنیر. ج ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۳. جوادی آملی، ع. انتظار در فرهنگ قرآن و عترت. قم: نشر اسراء، ۱۳۹۲.
۴. خمینی، ر. ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۷.
۵. کلینی، م. الکافی. ج ۱، ج ۲، ج ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۶. مجلسی، م. بحار الأنوار. ج ۵۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۰ق.
۷. مطهری، م. مجموعه آثار. ج ۲، ج ۳، ج ۷. تهران: صدرا، ۱۳۷۶ و ۱۳۹۳.
۸. مصباح یزدی، م. جامعه و تاریخ در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۹. صدر، م. الاسلام یقود الحیاء. بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۰ق.
۱۰. صدوق، م. کمال الدین و تمام النعمه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
۱۱. طریحی، ف. مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ش.
۱۲. طباطبائی، س. م. المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۴، ج ۵، ج ۱۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۳. نعمانی، م. الغیبه. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۲ق.
۱۴. راغب اصفهانی، ح. المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.